

سوال

آیا این سخن درست است؟ و یا آن که شامل اشکالات شرعی است؟ با علم به این که این دو بیت از متن **زبد ابن ارسلان** است: با قلب خود یقین دارم و به جزم می گویم که جهان را پس از آن که عدم بود به وجود آورد نه برای آن که خداوند به آن نیازی داشت و اگر می خواست رهايش می کرد و آغازش نمی کرد. لطفا پاسخ دهید.

پاسخ مفصل

الحمد لله.

این دو بیت معنایش صحیح است و شامل اشکال شرعی نیست و سه مسئله را در بر دارد:

نخست: این که جهان پس از آن که عدم بوده به وجود آمده است و این حق است و شکی در آن نیست، زیرا هر آن چه جز الله است مخلوق است و پس از عدم به وجود آمده، چنان که الله سبحانه و تعالی می فرماید:

اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ زمر: ۶۲

(الله آفریدگار هر چیزی است و اوست که بر هر چیز نگهبان است).

شیخ الاسلام ابن تیمیه - رحمه الله - می گوید:

اما جهان مخلوق، وجودی ندارد مگر از سوی خالق سبحانه و تعالی که این حق است، سپس او خالق و پروردگار و مالک همه کائنات است. چیزی نمی شود مگر با قدرت و مشیت و آفریدن او [و] او خالق هر چیزی است، سبحانه و تعالی (مجموع الفتاوی: ۲/ ۲۷).

وی همچنین می گوید: در نتیجه آن چه عقلای همه ملت ها از فلاسفه و دیگران با صریح معقول فهمیده اند، مؤید چیزی است که پیامبر آورده در برابر اقوالی که در میان امت او در مخالفت با سخنان او گفته شده و آن چه از طریق شرع با صریح عقل دانسته شده همچنین مخالف سخن فلاسفه دهری است که معتقد به قدیم بودن چیزی از هستی همراه با الله اند؛ بلکه قول به قدیم بودن عالم سخنی است که جمهور عقلا بر بطلان آن متفق اند، بنابراین تنها اهل ملت [اسلام] نیستند که آن را باطل می دانند بلکه اهل همه ملت ها و جمهور دیگران از مجوسیان و اصناف مشرکان یعنی مشرکان عرب و مشرکان هند و دیگر

امت‌ها و جماهیر بزرگان فلسفه همه معترف به این هستند که این جهان محدث است و پس از آن‌که نبوده به وجود آمده و بلکه عموم آنان معترف‌اند که الله خالق همه چیز است و عرب‌های مشرک نیز همه بر این معترف بودند که الله خالق همه چیز است و این‌که این جهان همه‌اش مخلوق است و الله خالق و پروردگار آن است (مجموع الفتاوی: ۵/ ۵۶۵).

دوم: این‌که الله جهان را آفریده بی‌آن‌که نیازی به آن داشته باشد و این نیز حق است و شکی در آن نیست زیرا او سبحانه و تعالی بی‌نیاز است و همه جز او فقیر و محتاج به اویند، چنان‌که می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ فاطر: ۱۵

(ای مردم این شمايید که به الله نیازمندید و الله همان بی‌نیاز ستوده شده است).

شیخ ابن سعدی - رحمه الله - در تفسیر خود (۶۸۷) می‌گوید:

«پروردگار متعال همهٔ مردم را مورد خطاب قرار می‌دهد و آنان را از حال و وصف خودشان آگاه می‌کند و این‌که آنان از همهٔ وجود نیازمند به الله هستند:

از جهت ایجاد نیازمند اویند، چرا که اگر آنان را ایجاد نکرده بود، وجودی نداشتند.

از جهت قدرت‌ها و اعضا و جوارح نیازمند اویند زیرا اگر آنان را به این نیروها مجهز نساخته بود برای هیچ عملی آمادگی نداشتند.

از جهت روزی و نعمت‌های ظاهر و باطن نیز محتاج اویند، چه اگر فضل و احسان و آسان‌سازی کارها توسط او نبود، هیچ یک از روزی‌ها و نعمت‌ها برایشان حاصل نمی‌شد.

از جهت دور ساختن نعمت‌ها و دور ساختن ناخوشی‌ها و از بین رفتن سختی‌ها و مشکلات، زیرا اگر این‌ها را از آنان دور نمی‌ساخت مشکلاتشان را برطرف نمی‌کرد، دشواری‌های آنان ادامه می‌یافت.

همچنین آنان با انواع تربیت و انواع تدبیر نیازمند اویند.

آنان از جهت احساس نیاز و محبت به او و عبادتشان و خلاص گرداندن عبادت برای او، نیازمند اویند، که اگر به آنان توفیق این را نمی‌داد بی‌شک هلاک می‌شدند و روح‌شان و دل‌ها و احوال‌شان فاسد می‌شد.

از جهت آموختن آن‌چه نمی‌دانند و دانستن آن‌چه به سودشان است نیازمند اویند، چرا که اگر آموزش او نبود چیزی نمی‌آموختند و اگر توفیق او نبود به صلاح نمی‌آمدند.

بنابراین آنان از هر جهت ذاتا و به تمام معنی و به هر اعتباری نیازمند اویند، چه برخی از انواع این فقر را احساس کنند یا خیر، اما آنان که توفیق یافته‌اند کسانی‌اند که فقر خود را در همه حال در امور دین و دنیا مشاهده می‌کنند و به سوی او تضرع می‌کنند و از او می‌خواهند که آنان را به اندازه چشم به هم زدنی به خودشان وانگذارد و در همه امورشان آنان را یاری کند و این معنا را در همه حال به یاد دارند و چنین کسانی بیشتر شایسته یاری کامل از سوی پروردگارانند، پروردگاری که از مادر مهربان‌تر است.

و الله همان بی‌نیاز ستوده شده است یعنی اوست که از همه وجوه کاملا بی‌نیاز است و به آنچه خلقش محتاج آن هستند بی‌نیاز است و به هیچ چیز که بندگان نیازمند آن هستند نیازی ندارد و این به سبب کامل بودن صفات اوست و این که صفات او همه صفات کمال و جلال است.

و از غنای اوست که آفریدگان را در دنیا و آخرت بی‌نیاز می‌سازد، و در ذات خود و نام‌های خود ستوده شده است زیرا این نام‌ها همه نیک است و اوصافش همه والاست و کارهایش همه فضل است و احسان است و عدل و حکمت و رحمت و در امر و نهی‌اش [نیز چنین است] بنابراین او برای صفاتی که در وی هست و برای کارهایی که از او سر می‌زند و در بی‌نیازی‌اش ستوده شده است و در این ستایش بی‌نیاز است».

طحاوی - رحمه الله - در عقیده مشهور خود می‌گوید: این برای آن است که او بر هر کاری توانا است و هر چیزی به او نیازمند است و هر کاری برایش آسان است؛ به چیزی نیاز ندارد و چیزی همانند او نیست و اوست شنوای بینا.

سوم: این سخن که و اگر می‌خواست، بدون آن که آغازش کند ترکش می‌کرد، زیرا الله تعالی فاعل از روی اختیار است نه موجب به ذات، چنان‌که فلاسفه می‌گویند، بنابراین اگر نمی‌خواست جهان را خلق نمی‌کرد اما آن را با مشیت و اختیارش آفرید و این حق است که نصوص دال بر آن است، چنان‌که می‌فرماید:

فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ بروج: ۱۶

(انجام دهنده هر چیزی است که می‌خواهد)

و می‌فرماید:

وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ قصص: ۶۸

(و پروردگار تو هر چه را بخواهد می‌آفریند و برمی‌گزیند).

والله اعلم.